

مقدمه‌ای بر

# سیر تطور منورالفکری در ایران

از قاجاریه تا انقلاب اسلامی

حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی  
پیمان خواجه‌وی

## شناسنامه پژوهشی

■ عنوان تحقیق: مقدمه‌ای بر سیر تطور منورالفکری در ایران

■ پژوهشکده: فرهنگ و مطالعات اجتماعی

■ گروه علمی: غرب‌شناسی

■ محققان: حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی و پیمان خواجه‌وی

■ ارزیابان علمی: علی بیگدلی، محمدرحیم عبوضی، شهریار زرشناس،

یعقوب توکلی، سیدرضا موسوی

■ موضوع اصلی: منورالفکری

■ موضوع فرعی: سیر تطور منورالفکری در ایران



مجلس شورای اسلامی ایران

کتابخانه و مرکز اسناد

مقدمه‌ای بر سیر تطور منورالفکری در ایران

(۱) فاجاریه تا انقلاب اسلامی

حبیب‌الله ابراهیم شیرازی

پیمان خوئی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری

چاپ و صحافی: القدير

سرشناسه: ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، ۱۳۴۲-.

عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر سیر تطور منورالفکری در ایران: از فاجاریه تا انقلاب اسلامی / حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۰۱ ص.

شابک: ۵-۳۳۶-۱۰۸-۹۷۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابخانه، یادداشت: نمایه.

موضوع: روشنفکران—ایران.

موضوع: روشنفکران.

موضوع: تجدید—ایران—تاریخ.

شناسه افزوده: خواجوی، پیمان.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۲۷ الف/۷۲۸ HM

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۵۵۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۶۱۷۵۳

نقاط بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

## فهرست

|    |                                                        |
|----|--------------------------------------------------------|
| ۹  | پیشگفتار                                               |
| ۱۱ | مقدمه                                                  |
| ۲۱ | بخش اول: مبانی نظری                                    |
| ۲۳ | فصل اول: مروری بر سیر تحول روشنگری در غرب              |
| ۲۳ | ۱. رنسانس                                              |
| ۲۴ | ۲. دین‌پرایی                                           |
| ۲۵ | ۳. عصر علم                                             |
| ۲۷ | ۴. عصر روشنگری                                         |
| ۲۹ | ۵. از روشنگری تا روشنفکری                              |
| ۳۳ | فصل دوم: روشنفکری ایرانی، برداشت‌ها و تحلیل‌ها         |
| ۳۳ | ۱. درآمدی بر مفهوم روشنفکری                            |
| ۳۶ | ۲. برداشت‌ها و تحلیل‌ها                                |
| ۳۶ | ۱-۲. تعریف                                             |
| ۴۰ | ۲-۲. تقسیم‌بندی                                        |
| ۴۲ | ۲-۳. روشنفکری دینی                                     |
| ۴۷ | فصل سوم: گفتمان‌های روشنفکری در ایران                  |
| ۴۷ | ۱. نظریه گفتمان                                        |
| ۵۱ | ۲. عوامل مؤثر بر ظهور گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی ایران |
| ۵۷ | ۳. نقادی روشنفکران                                     |

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۶۰  | ۴. تحلیل گفتمانی روشنفکری                    |
| ۶۳  | ۵. گفتمان‌های روشنفکری در ایران              |
| ۶۵  | <b>بخش دوم: گفتمان‌های روشنفکری در ایران</b> |
| ۶۷  | <b>فصل اول: گفتمان ترقی</b>                  |
| ۶۷  | ۱. درآمدی بر گفتمان                          |
| ۷۱  | ۲. زمینه‌های سیاسی - اجتماعی                 |
| ۷۱  | قرن ۱۹ و حاکمیت قاجاریه                      |
| ۷۸  | غرب                                          |
| ۸۳  | ۳. آرا و اندیشه‌ها                           |
| ۸۳  | ۳-۱. میرزا کاظم الشیرازی                     |
| ۸۶  | ۳-۲. میرزا فتح شیرازی                        |
| ۹۱  | ۳-۳. میرزا ابوالحسن خان ایلچی                |
| ۹۳  | ۳-۴. میرزا ابوالقاسم خان قزوینی              |
| ۹۶  | ۳-۵. میرزا تقی خان امیرکبیر                  |
| ۱۰۱ | ۳-۶. میرزا حسین خان سپهسالار                 |
| ۱۰۴ | ۳-۷. سیدجمال‌الدین اسدآبادی                  |
| ۱۱۲ | ۳-۸. میرزا فتحعلی آخوندزاده                  |
| ۱۱۶ | ۳-۹. میرزا آقاخان کرمانی                     |
| ۱۱۹ | <b>فصل دوم: گفتمان مشروطه</b>                |
| ۱۱۹ | ۱. درآمدی بر گفتمان                          |
| ۱۲۲ | ۲. زمینه‌های سیاسی - اجتماعی                 |
| ۱۲۴ | مقدمات خارجی                                 |
| ۱۲۷ | زمینه‌های داخلی                              |
| ۱۲۸ | مذهب در انقلاب مشروطه                        |
| ۱۳۰ | ۳. آرا و اندیشه‌ها                           |
| ۱۳۱ | ۳-۱. سیدمحمد طباطبائی                        |
| ۱۳۶ | ۳-۲. آخوند خراسانی                           |
| ۱۴۰ | ۳-۳. میرزا ملکم خان                          |

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۱۴۵ | ۳-۴. طالبوف تبریزی.....                      |
| ۱۴۸ | ۳-۵. نائینی و تنبیه الامه و تنزیه المله..... |
| ۱۵۴ | ۳-۶. اللثالی المربوطه فی وجوب المشروطه.....  |
| ۱۵۷ | ۳-۷. رساله انصافیه.....                      |
| ۱۵۹ | ۳-۸. مکالمات مقیم و مسافر.....               |
| ۱۶۳ | ۳-۹. رساله کلمه الحق یراد بها الباطل.....    |
| ۱۶۷ | <b>فصل سوم: گفتمان تجدید</b> .....           |
| ۱۶۷ | ۱. درآمدی بر گفتمان.....                     |
| ۱۶۹ | ۲. زمینه‌های سیاسی اجتماعی.....              |
| ۱۶۹ | روند حاکم، خدایت و اجتماع پس از مشروطیت..... |
| ۱۷۲ | فقدان روحانیت بشرو و مشروطه خواه.....        |
| ۱۷۴ | تحولات وازگانی.....                          |
| ۱۷۵ | ظهور رضاخان.....                             |
| ۱۷۷ | ۳. آرا و اندیشه‌ها.....                      |
| ۱۷۷ | ۳-۱. محمدعلی فروغی (ذکاءالملک).....          |
| ۱۸۲ | ۳-۲. سیدحسن تقی زاده.....                    |
| ۱۸۴ | ۳-۳. سیداحمد کسروی.....                      |
| ۱۸۹ | <b>فصل چهارم: گفتمان سوسیالیسم</b> .....     |
| ۱۸۹ | ۱. درآمدی بر گفتمان.....                     |
| ۱۹۱ | ۲. زمینه‌های سیاسی - اجتماعی.....            |
| ۱۹۲ | حزب توده.....                                |
| ۱۹۵ | دیگر زمینه‌ها.....                           |
| ۱۹۵ | ۳. آرا و اندیشه‌ها.....                      |
| ۱۹۵ | ۳-۱. احسان طبری.....                         |
| ۱۹۹ | <b>فصل پنجم: گفتمان ناسیونالیسم</b> .....    |
| ۱۹۹ | ۱. درآمدی بر گفتمان.....                     |
| ۲۰۰ | ۲. زمینه‌های سیاسی - اجتماعی.....            |

|     |                                                |
|-----|------------------------------------------------|
| ۲۰۵ | ۳. آرا و اندیشه‌ها.....                        |
| ۲۰۵ | ۳-۱. دکتر محمد مصدق.....                       |
| ۲۱۳ | <b>فصل ششم: گفتمان اسلام انقلابی.....</b>      |
| ۲۱۳ | ۱. درآمدی بر گفتمان.....                       |
| ۲۱۵ | ۲. زمینه‌های سیاسی - اجتماعی.....              |
| ۲۱۵ | ناکامی‌های سه جریان.....                       |
| ۲۱۷ | تضاد با نظام سیاسی حاکم.....                   |
| ۲۱۹ | غرب.....                                       |
| ۲۲۰ | تحول در نگرش به اسلام.....                     |
| ۲۲۲ | بخت امام خمینی.....                            |
| ۲۲۵ | ۳. آرا و اندیشه.....                           |
| ۲۲۵ | ۳-۱. جهل آل محمد.....                          |
| ۲۳۱ | ۳-۲. علی شریعتی.....                           |
| ۲۳۹ | ۳-۳. مرتضی مطهری.....                          |
| ۲۴۷ | <b>بخش سوم: تجزیه و تحلیل داده‌ها.....</b>     |
| ۲۴۹ | <b>فصل اول: جمع‌بندی و آنالیز داده‌ها.....</b> |
| ۲۷۹ | <b>کتابنامه.....</b>                           |
| ۲۷۹ | ۱. فارسی.....                                  |
| ۲۹۱ | ۲. انگلیسی.....                                |
| ۲۹۳ | <b>نمایه اعلام.....</b>                        |
| ۲۹۹ | <b>نمایه موضوعی.....</b>                       |

## پیشگفتار

موضوع جریان‌های روشنفکری و دیدگاه‌ها و کنش‌های روشنفکران همواره محل بحث و جدل در معامع ذکری ایرانی بوده و از نگاه‌های مختلف و در ترازوهای متفاوتی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. این اثر کوشیده است روایتی متفاوت از جریان‌های روشنفکری داشته باشد و با انتخاب روش تحلیل گفتمانی، دسته‌بندی نوینی از روشنفکران معاصر ایران ارائه دهد.

این اثر پژوهشی مدعی است که جریان‌های روشنفکری در ایران معاصر در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی در قالب گفتمان‌های متفاوتی ظهور و بروز یافته‌اند. این گفتمان‌ها روایتگر چرخش‌های فکری، روانی و کردار اجتماعی در ادوار مختلف دوران معاصر ایران هستند. این پژوهش بر این باور است که نمی‌توان روایتی کلان درباره روشنفکری در ایران ارائه داد؛ بلکه باید آن را در درون گفتمان‌های مسلط در هر عصر شناسایی کرد و مراد از آن تعیین نمود. این اثر با در نظر گرفتن تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر ایران دوران قاجار تا آستانه انقلاب اسلامی، شش گفتمان را شناسایی کرده است که به ترتیب عبارت‌اند از: گفتمان ترقی، گفتمان مشروطه، گفتمان تجدد، گفتمان سوسیالیسم، گفتمان ناسیونالیسم و گفتمان اسلام انقلابی.

نوشتار حاضر نتیجه تلاش علمی محققان ارجمند، جناب آقای دکتر حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی و جناب آقای پیمان خواجوی در گروه غرب‌شناسی پژوهشکده

فرهنگ و مطالعات اجتماعی است.

پیش‌ازاین از آقای دکتر حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی بیش از هفتاد عنوان کتاب و مقاله ازجمله کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، مطبوعات آمریکا در مورد ایران، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از قاجاریه تا پهلوی، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی صدساله اخیر ایران، منتشر شده است.

از پیمان خواجه‌وی نیز مقالاتی در کنفرانس‌های معتبر بین‌المللی ازجمله مقاله «فلسفه و ولایت در جامعه مدنی جهانی» در دانشگاه یورال یکتارینبورگ روسیه و مقاله «اسلام، دموکراسی و دولت رانتیر» در دانشگاه کاتولیکا لیسبون پرتغال ارائه شده است.

بر خود لازم می‌دانیم تلاش‌های علمی و ارزشمند محققان محترم، تقدیر و تشکر کنیم؛ همچنین از شور و عداوسی گروه غرب‌شناسی آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، دکتر رضا داوی اردکانی، دکتر علی بیگدلی، دکتر محمدرضا ریخته‌گران، دکتر حسین کامیسی‌اشتری، دکتر علی مرادخانی، دکتر سیدرضا موسوی، دکتر فرشاد شریعت، دکتر منوچهر محمدی، دکتر سیدمحمدکاظم سجادی‌پور، دکتر احمد صادقی، دکتر محمود مهرابی، ارزیابان محترم این تحقیق، آقایان دکتر علی بیگدلی، دکتر محمدرحیم عیوضی، بهرام زرشناس، دکتر یعقوب توکلی، دکتر سیدرضا موسوی که با ارائه نظرات ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند، کمال سپاس و امتنان را داریم. از سازمان محترم انتشارات که در آماده‌سازی و چاپ اثر مجدانه تلاش کردند، سپاسگزاریم. در خاتمه به سوالیم نظرات و دیدگاه‌های خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر و تولید آثار گرانسنگ دیگر یاری رسانند.

گروه غرب‌شناسی

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

## ■ مقدمه ■

چون قلم اندر نه سخن نه سافت

چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت

(مولوی)

قصه روشنفکری و روشنفکران را سرزمین ما قصه‌ای رمزآلود و سرشار از فرازوفرودهای معرفتی و کنش‌های اجتماعی است که ناخودآگاه روایتگر تحولات جامعه ایرانی در دو سده اخیر است. دروایم تاریخ تحول روشنفکری در ایران از یک سو حکایتگر سیر تحول اندیشه در کشور ماست و از سوی دیگر گذار اجتماع ایران از حالی به حال دیگر را روایت می‌کنند.

این فرازوفرودها موجب شده است روشنفکری ایرانی، در ردی در قالب‌ها و رنگ و لعاب‌های متفاوتی نمایان سازد؛ گاهی جامعه مشروطیت را بدون سواهی به تن کرده است و در جای دیگر جامعه ضدیت با استبداد و استعمار گاهی در پوشش مدرنیته غربی به نشو و نما پرداخته است و گاهی در جامعه دین و مذهب؛ گاهی پرچم احیای تمدن اسلامی به دست گرفته و گاهی آزادسازی جامعه از قیود مذهبی؛ گاهی آرمان‌های خود را در مارکس می‌بیند و گاهی در ابوذرا؛ گاه روسو و کانت را می‌پسندد و گاه فرانتس فانون را؛ و این حکایت روشنفکری و روشنفکران در کشور ماست.

رمزگشایی از این گفتارها و کردارها نیازمند بازخوانی اندیشه‌ها در متن

پدیده‌ها و کردارهای اجتماعی است؛ این امر، تحلیل گفتمانی روشنفکری را ضروری می‌کند. بررسی زمینه‌های اجتماعی یک اندیشه و یافتن رابطه میان زیان و کردار اجتماعی که با هم و در ارتباط متقابلشان با یکدیگر تولید معنا می‌کنند و درواقع رفتار و کردار و گفتار ما آدمیان در پرتو آن معنا می‌یابد، می‌تواند ما را به درکی عمیق‌تر نسبت به پدیده‌ها و تحولات رهنمون باشد.

در روزگار ما برداشت‌ها و تحلیل‌های متفاوت و متکثری از روشنفکری، بعاد، آثار، منابع و نتایج آن وجود دارد. روشنفکری ایرانی از یک سو به دلیل مزادپنداری با روشنفکری غربی امری مذموم و مردود است و از موضعی دیگر، گمانه‌راهی است که گره از کار فرو بسته ایرانیان می‌گشاید. از یک نگاه، دین را به رسمیت می‌نهد و از نگاهی دیگر به دین جامه‌ای نو و آراسته می‌پوشاند. از یک نگاه، حیات را شمار است و از داوری دیگر عین انحطاط است؛ بنابراین برای یافتن واقعیت‌های روشنفکری باید تلاش کرد و ابعاد تحولات مؤثر بر شکل‌گیری آن امور دیناسایی و تحقیق قرار داد.

روشننگری و روشنفکری در ایران، محصول سیر تحولی اجتماعی-فرهنگی است و در یک فرایند تاریخی مشخص ظهور و بروز یافته است و آنچه با عنوان روشنفکری از جهان غرب به دیگر کشورها منتقل شده، روشنفکری با تمام لوازمش نبوده؛ بلکه تنها به تحلیلی و دیدگاه‌های آن را شامل شده است. درواقع آنچه دیگر کشورها، به ویژه ایران، در مواجهه با غرب توسعه‌یافته فهمید، محصول یک فهم فلسفی و فکری نبود؛ بلکه ما با تکنولوژی و پیشرفت‌های غرب مواجه شدیم و به جان طالب آن گشتیم. درواقع آنچه در غرب با عنوان روشنفکری تولد یافت، ماهیتی به نسبت فلسفی داشت؛ اما مواجهه ما با غرب، ما را فلسفی نکرد بلکه ما را مجذوب پوخته و نتیجه روشنفکری در حوزه انقلاب‌های علمی، صنعتی و سیاسی کرد و کسانی هم که از جانب ایران برای تحصیل رفتند، با خود ادوات و صنایع آوردند، نه فکر و اندیشه.

همزادپنداری روشنفکری در ایران با روشنفکری در غرب موجب این

تصور شده است که نقد و رد یکی، موجب بطلان دیگری می‌شود. پُر واضح است که روشنفکری در غرب در گام اول در مقابل اقتدار کلیسایی و تحجر قرون وسطایی ظهور کرد و آنچه با عنوان عقلانیت مطرح شد، در مقابل تقدس کلیسا بود که عامل عقب‌ماندگی و ضعف جامعه شناخته می‌شد؛ اما عامل مشکلات در کشور ما - حداقل در درجه اول - نه تنها دین نبود؛ بلکه در بسیاری از مقاطع تاریخی دین نقش روشنگری را نیز ایفا کرده است؛ لذا بیشتر منورالخران حتی اگر منتقد هم بوده‌اند، از در همراهی و سازگاری و پیرایش باورهای دینی در آمده‌اند، البته چهره‌هایی نیز استثنا بوده‌اند؛ اما سخن و موضعشان هیچ‌گاه نه بسته گفتمان غالب شود؛ بنابراین اینکه ما تصور کنیم با نقد و رد روشنفکران غربی می‌توانیم برای روشنفکری ایرانی پاسخ‌هایی بیابیم، به نظر می‌رسد راه درست را انتخاب نکرده‌ایم.

از سوی دیگر برخی دی‌سان‌ها، پیرامون روشنفکری تلاش می‌کنند آن را با توجه به رویکردها و نیارهای سیاسی روز مطالعه کنند و دائماً بر دسته‌بندی‌هایی مانند دینی و غیردینی، سیاسی و غیرسیاسی و نظایر آن بدون توجه به زمینه‌ها و محیط پرورش و حتی الزام‌های روشنفکران در زمان خود تأکید می‌کنند. درواقع احساس می‌شود در چنین رویکردی پژوهشگران به دنبال رسیدن به مطلوبات فکری خود از دل پدیده‌های تاریخی هستند. این رویکرد نه تنها به فهم بهتر موضوع کمک نخواهد کرد؛ بلکه به دلیل اختلاف افق‌های روشنفکر و محقق، فهم را به شدت ناپایدار، شکننده و مبهم می‌کند.

نظریه گفتمان و تحلیل گفتمانی، مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای است و امروزه یکی از پرکاربردترین و درعین حال از جوان‌ترین نظریه‌ها در علوم اجتماعی است که رابطه بین اعمال بشری مولد معنا را بررسی می‌کند. درواقع، آنچه از جهان و پدیده‌های آن به صورت مشخص در زندگی سیاسی و اجتماعی می‌فهمیم، از دل یک گفتمان به بیرون تراویده است. این مسئله در باب تحلیل سیاسی و تاریخ جایگاه ویژه‌ای دارد و هنگامی که می‌خواهیم از یک اندیشه اجتماعی در یک گذشته تاریخی سخن بگوییم، تلاش می‌کنیم منظومه‌ای از مفاهیم و

کردارهای مؤثر بر موضوع را با تأکید بر ارتباط متقابلشان شناسایی کنیم و در آن فضا به دنبال حل مسئله خود بگردیم.

در پس‌زمینه هر کردار و گفتاری، یک نظام معنایی مستتر است که با آن، رابطه دال و مدلول ایجاد می‌کند؛ شناخت این رابطه می‌تواند کلید حل بسیاری از مسائل و پاسخ بسیاری از پرسش‌ها باشد. آنچه به عنوان ایستگاه می‌شناسیم، امری است که ناخودآگاه بر تمام کنش‌ها و اعمال مؤثر است و به همان میزان که، حققتواند به این ایستگاه نزدیک شود و بدان دست یابد، میزان فهمش از موضوع منسجم‌تر و قابل‌اتکاتر خواهد بود.

این پژوهش در جایگاه خود نگاه جدیدی به روشنفکری داشته است و تلاش کرده با استفاده از نظریه گفتمان، پردازشی نو از موضوع روشنفکری ایرانی داشته باشد. ادعای این پژوهش آن است که بین سیر تحولات اجتماعی-سیاسی ایران و ظهور، استقرار و گفتمان‌های روشنفکری، رابطه معناداری وجود دارد. گفتمان‌های روشنفکری در ایران در بستر پدیده‌های سیاسی-اجتماعی بروز و ظهور یافته‌اند و مطالعه این اندیشه‌ها بدون در نظر گرفتن این بستر عمده‌تاً مطالعه را به انحراف می‌برد. بر این اساس به نظر می‌رسد، نمی‌توان برای روشنفکری ایرانی، تعریفی ارائه داد که بتواند همه زوایای مکان‌ها را دربرگیرد؛ بلکه باید براساس نشانه‌های حداقلی، آن را در درون گفتمان‌های مختلف جست‌وجو و از آن تعیین مراد کرد.

سه عامل نظام قدرت، اسلام و غرب در ظهور گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی در ایران نقش ویژه‌ای داشته‌اند. برای دستیابی به تصویری پایدار و قابل‌اتکا و همچنین شناخت گفتمان‌های مختلف، تلاش شده است نسبت هر یک از این گفتمان‌ها با این عوامل به‌خوبی تبیین شود؛ این بدان معناست که هر یک از گفتمان‌های روشنفکری در ایران واکنشی مختص به خود نسبت به اسلام، غرب و نظام سیاسی حاکم داشته‌اند. از سوی دیگر نگاه نقادانه مهم‌ترین ویژگی و ابزار کار روشنفکران است. نقد روشنفکران به‌طور کلی به چهار عنصر قدرت، سنت، اجتماع و تاریخ معطوف است؛ چنان‌که مهم‌ترین ابزار معمول در

این مسیر، عقلانیت است که روشنفکران و روشنفکری را با آن می‌شناسیم. هدف اصلی این پژوهش، سازمان‌دادن مطالب مربوط به جریان روشنفکری ایران به‌طور جامع و در ارتباط متقابلش با اجتماع دوران خود و مشخص کردن نقاط اشتراک و افتراق میان جریان‌های روشنفکری است.

تأکید می‌کنیم که روشنفکری برای ما یک جریان اجتماعی با هویت و کارکردهای اجتماعی است نه یک جریان فلسفی با اندیشه‌هایی عمیق و پیچیده. روشنفکران ایرانی در بازه پژوهش ما، فیلسوف نیستند؛ بلکه کنشگر اجتماعی‌اند، طبقه پیشرو اجتماع محسوب می‌شوند، جلوتر از دیگران حرکت می‌کنند و جامعه را همراه خود به حرکت درمی‌آورند؛ لذا ما در مطالعه روشنفکری به دنبال تولیدات فلسفی آنها نیستیم که اگر هم هست و جو کنیم، چیز خاصی عایدمان نمی‌شود که بر مبنای آن بتوانیم روشنفکری ایران را بفهمیم؛ بلکه بیشتر، اندیشه‌ها، مواضع و کارکردهای فکری - اجتماعی آنها را جست‌وجو می‌کنیم. کارکردهای فکری - اجتماعی روشنفکران آن مسیر و افق است که تلاش می‌کنند براساس آن روابط خود را تنظیم کنند، جامعه را به‌سوی آن هدایت کنند و نسبت به پدیده‌های اطراف خود موضع تعیین کنند.

این پژوهش در سه بخش و یازده فصل تنظیم شده است. بخش اول در قالب چهار فصل به مبانی نظری اختصاص داده شده است؛ در بخش دوم در قالب شش فصل گفت‌وگوهای روشنفکری مورد مطالعه قرار گرفته و بخش سوم که تنها یک فصل دارد به تجزیه و تحلیل داده‌ها اختصاص یافته است.

در فصل اول با عنوان «مروری بر سیر تکامل روشنگری در غرب» سعی شده است مقدمات عصر روشنگری در اروپا و نتایج آن و دغدغه‌های روشنگران بازمینی شود. این امر مقدمه‌ای برای تحلیل‌های بعدی درباره نسبت روشنفکری در ایران و غرب خواهد بود. در این فصل بر رنسانس، جنبش دین‌پیرایی، عصر علم، عصر روشنگری و نحوه گذار از روشنگری به روشنفکری مروری خواهد شد.

فصل دوم با عنوان «روشنفکری ایرانی، برداشت‌ها و تحلیل‌ها» به تبیین مفهوم روشنفکری در ایران و نگاه‌ها و داوریهایی که نسبت به آن وجود دارد،

در دو بخش پرداخته است. در بخش اول واژه روشنفکر و منورالفکر و معادل آن در غرب بررسی شده و در بخش دوم تحلیل‌هایی که نزد متفکران ایرانی در سال‌های اخیر وجود دارد، از سه منظر تعریف روشنفکری، چگونگی دسته‌بندی آن و روشنفکری دینی طرح و بحث شده است.

در فصل سوم به «گفتمان‌های روشنفکری در ایران» پرداخته شده است؛ به همین دلیل ابتدا عوامل مؤثر بر ظهور گفتمان‌های روشنفکری در ایران مطالعه شده است؛ سپس با عنوان روشنفکر، عقلانیت و نقادی به مسئله عنصر نقد در اندیشه روشنفکران پرداخته شده و نهایتاً تحلیل گفتمانی روشنفکری مورد آکاش واقع شده است.

در فصل چهارم که اولین فصل از بخش دوم است، تحت عنوان «گفتمان ترقی»، به بررسی روشنفکری پیش از مشروطه پرداخته شده و عملاً از جنگ‌های ایران و روس تا استانه علاء مشروطه را دربر می‌گیرد. در این فصل ضمن مرور سیاست و حکومت در دوران قاجار و تحولات و حوادث خارجی و وضعیت اجتماعی ایران، اندیشه و آرای معادالطیف شوستری، میرزا صالح شیرازی، میرزا ابوالحسن خان ایلچی، میرزا ابوالحسن قائم‌فراهانی، میرزاتقی‌خان امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار، سید جمال‌الدین اسفندیاری، میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

در فصل پنجم با عنوان «گفتمان مشروطه» ضمن مطالعه زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور این گفتمان، زمینه‌های داخلی و خارجی، وضعیت دربار، رشد اجتماعی و نقش مذهب و روحانیون بررسی شده و آرای سید محمد طباطبایی، آخوند خراسانی، میرزا ملکم‌خان، کاظم‌الدوله، میرزا عبدالرحیم طابوف تبریزی و رساله‌های «تنبيه الامة و تنزيه الملة»، «اللسالي المربوطه في وجوب المشروطه»، «رساله انصافیه»، «مکالمات مقیم و مسافر» و «کلمه الحق يراد بها الباطل» مطالعه شده است. برای موشکافی هرچه بیشتر این گفتمان تلاش شده است از اختلاط اندیشه‌های این دوره با دوره‌های قبل و بعد از آن جلوگیری شود.

فصل ششم به «گفتمان تجدد» اختصاص یافته است؛ در بررسی زمینه‌های اجتماعی این گفتمان، نزول مشروطیت و ظهور رضاخان و اصلاحات او و تغییراتی که در کنشگران اجتماعی ایران پس از مشروطه روی داده است، مطالعه شده و نهایتاً آرای محمدعلی فروغی، سیدحسن تقی‌زاده و سیداحمد کسروی بررسی شده است.

فصل هفتم «گفتمان سوسیالیسم» است. در این فصل زمینه‌های تاریخی آن از انقلاب روسیه، مجلس دوم مشروطه و جمهوری سرخ گیلان بررسی و وضعیت آن در زمان رضاخان و پس از وی و تشکیل حزب توده بررسی شده است. در این فصل به‌طور مشخص آرای احسان طبری مورد نظر واقع شده است.

فصل هشتم به «گفتمان ناسیونالیسم» اختصاص دارد و اندیشه‌ای را مورد کنکاش قرار می‌دهد که به واسطه جنبش ملی‌شدن صنعت نفت بر عده‌ای از روشنفکران ایرانی حاکم شده است. در این فصل بر برخی قراردادهای خارجی که نهایتاً اعتراض‌هایی را با خود به همراه داشته و ماهیت اندیشه مبارزه با استعمار غربی و علل ماندگار شدن این گفتمان بررسی شده است. در نهایت، در این فصل مواضع و آرای دکتر محمد مصدق به منزله نماد این اندیشه بررسی شده است.

فصل نهم، گفتمان «اسلام انقلابی» است و آخرین گفتمانی است که مطالعه می‌شود. در این فصل اندیشه‌ای بررسی می‌شود که پس از خودتای ۲۸ مرداد متولد شد، با ظهور جنبش امام خمینی وارد مرحله تازه‌ای شد. هر گام با انقلاب اسلامی پیش رفت. این گفتمان نمایانگر تحول در نگرش به اسلام نزد روشنفکران ایرانی است. در این فصل آرای جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری بررسی می‌شوند.

در فصل دهم به جمع‌بندی و آنالیز مباحث پرداخته شده است. در این فصل ابتدا تحلیلی از هر یک از گفتمان‌ها به لحاظ زمینه‌های اجتماعی و گزاره‌ها به عنوان عناصر تشکیل دهنده آنها ارائه شده و سپس به سؤال اصلی و سؤالات فرعی هر گفتمان به انضمام واحد اصلی تحلیل (آنچه هر گفتمان بر آن متمرکز شده است)؛ تمرکز و دل‌مشغولی بازیگران که عمدتاً به فعالیت‌های اصلی آنها معطوف است؛ انگیزه اصلی به معنی هدف نهایی و درواقع افق

مثبت دید آنها؛ رویکرد اصلی به‌منزله استراتژی و باور محوری روشنفکران و درنهایت توصیه روشنفکران پرداخته شده است. در بخش دیگری از این فصل به بازه‌های زمانی هر یک از گفتمان‌ها پرداخته و نقطه اوج هر گفتمان معرفی شده است؛ همچنین با توجه به اینکه در مبانی نظری، سه عامل اسلام، غرب و نظام قدرت به‌عنوان مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی معرفی شده‌اند، در این فصل موضع هریک از گفتمان‌ها نسبت به این سه پارامتر بررسی شده است.

درباره نحوه تألیف این اثر و نوع دسته‌بندی و جمع‌آوری مطالب، یادآوری نکاتی ضروری است:

۱. اگر در این پژوهش به روایت حوادث اجتماعی - سیاسی پرداخته‌ایم و ممکن است این پژوهش به نظر برسد، به دلیل الزام‌های روشی و ارتباطی است که با پیدایش نام فکری و گفتمان‌های روشنفکری دارند؛ لذا مباحث تاریخی در همین حد، محدود و حصر شده‌اند. ضمن آنکه مجدداً بر این نکته تأکید می‌شود که اساساً بازه‌های زمانی که هر گفتمان در آن متولد و بارور شده است، ارتباط مستقیمی با زمینه‌های سیاسی - اجتماعی دوران خود دارد.

۲. در این پژوهش در شرح اندیشه‌اند سمندان تلاش شده تا آنجا که ممکن است از نقل قول مستقیم استفاده کرده، ریرا استفاده از عین الفاظ و کلمات و ساختارهای بیانی و نوشتاری می‌تواند به فهم آن اندیشه در زمان مختص به خود کمک کند؛ بنابراین سعی شده است تا آنجا که امکان دارد از تفسیر و اقتباس یک‌جانبه امتناع شود و تفسیر و تحلیل مؤلف به فصل پایانی انتقال یابد، مگر جایی که بالضروره بازخوانی متن اصلی به این خواننده دشواری فراوانی را ایجاد می‌کرده است.

۳. در این اثر تلاش و کوشش فراوانی شده است تا آنجا که ممکن است از منابع دست‌اول استفاده شود و دیدگاه‌ها و مواضع روشنفکران براساس مبانی مستحکمی بررسی شود؛ همچنین در برخی موارد به دیدگاه‌ها و تحلیل‌هایی مراجعه شده که از جنبه‌های مختلفی اعتبار کافی داشته‌اند و استفاده از آنها به کیفیت و کارایی تحقیق افزوده است؛ اما در هر صورت در جاهایی که دسترسی به منابع دست‌اول ممکن نبوده است، به‌ناچار باید مباحث مورد نیاز از لایه‌های دیگر تألیف‌ها

استخراج می‌شده که تلاش شده است در این مسیر اشتباهی روی ندهد.  
 ۴. بسیار کوشیده‌ایم در ارجاعات، حق و شأن مؤلف اصلی رعایت شود و در این بین اهمال و کوتاهی صورت نگیرد؛ اما در هر صورت اگر در جایی به دلیل کثرت منابع و ارجاعات سهواً کم‌توجهی یا کوتاهی صورت گرفته، پیشاپیش پوزش می‌طلبیم و در صورت یادآوری در اصلاح آن در چاپ‌های بعدی اق‌ام خواهد شد.

در پایان، تمام دوستان پُرمهر و صاحبان اندیشه که نتیجه مطالعات و پژوهش‌های خود را در اختیار ما قرار دادند و با مطالعه این اثر و طرح نکاتی، زمینه قوام‌یافتن آن را فراهم آوردند، کمال تشکر و سپاسگزاری را داریم؛ امید است دیگر پژوهشگران و صاحب‌نظران، ما را از طرح ایرادها و نقد این اثر محروم نفرمایند. همچنین به صورت ویژه از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که فرصت این پژوهش را فراهم آوردند و نسبت به انتشار آن قبول زحمت فرمودند، کمال تشکر و سپاسگزاریم. باشد که خدای بزرگ همواره یاریمان کند که لحظه‌ای از تحقیق و پژوهش بازناایستیم و همواره در مسیر حق و حقیقت بکوشیم.

حبيب الله ابوالحسن شيرازي / پيمان خواجه‌جوي